

Review Article

Ibn al-Baytar, Pharmacist of Andalusian Islamic Civilization

Leila Derakhshan¹, Mohammad Reza Rajabnejad^{2*}

1. Student of History of Medical Sciences, Institute of Medical History Studies, Islamic and Complementary Medicine, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

2. Institute of Medical History Studies, Islamic and Complementary Medicine, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran. (Corresponding Author) Email: rajabnejad.mr@iums.ac.ir

Received: 8 Sep 2019 Accepted: 2 Dec 2019

Abstract

The subject of spices and medicines is one of the noticeable topics of ancient medicine and almost all the authors of medical works have devoted a part of their work to this subject. Andalusia was one of the territories where doctors assigned particular attention to pharmacology and drug addiction topic. One of the most important influencing factors on doctor's attention to multifunction of medicine was the admittance a copy of Discouridus, Greek wise to that region. One of the most famous pharmacies of Andalusia and word of Islam is Ibn al-Baytar, who considered him as rightful substitute to Discouridus. He read the Discouridus Genesis book and it made good use of that. Ibn al-Baytar was one of the few scientists who traveled to various places to collect plan he, alongside this valuable research. Studied the Andalusian writings and writings with great car. This article reviews a lot of book and articles about an important person like Ibn al-Baytar and could collect issues of his biography and work and typewrite it.

Keywords: Ibn al-Baytar; Pharmacology; Al-Juma; Andalusia

Please cite this article as: Derakhshan L, Rajabnejad MR. Ibn al-Baytar, Pharmacist of Andalusian Islamic Civilization. *Med Hist J* 2020; 11(41): 71-79.

ابن بیطار داروشناس اندلسی دوره تمدن اسلامی

لیلا درخشان^۱، محمدرضا رجب‌نژاد^{۲*}

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ علوم پزشکی، مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی طب اسلامی و مکمل، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران.

۲. استادیار، گروه تاریخ علوم پزشکی، مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: rajabnejad.mr@iums.ac.ir

دریافت: ۱۳۹۸/۶/۱۷ پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۱۱

چکیده

موضوع ادویه و مفردات دارویی از موضوع‌های مورد توجه در تاریخ پزشکی است، تقریباً همه نویسندگان آثار پزشکی، بخشی از آثار خود را به این موضوع اختصاص داده‌اند. در دوره تمدن اسلامی، اندلس از جمله سرزمین‌هایی بود که پزشکان آن، به موضوع داروشناسی به طور خاص و مفردات دارویی به طور اخص پرداخته‌اند. یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر توجه پزشکان به مقوله ادویه مفرده، ورود نسخه‌ای از کتاب دیسقوریدوس، حکیم یونانی به آن دیار بوده است. از مشهورترین داروشناسان اندلس و جهان اسلام آن روزگار، می‌توان از «ابن بیطار» سخن به میان آورد که وی را به حق، جانشین دیسقوریدوس دانسته‌اند. وی کتاب الحشایش دیسقوریدوس را با دقت خواند و به نیکی از آن بهره برد. ابن بیطار از معدود دانشمندانی بود که برای جمع‌آوری گیاهان به نقاط مختلف دنیا سفر کرد. وی در کنار این پژوهش ارزشمند، آثار و نوشته‌های اندلسیان و خارج از آن را با دقت فراوان مورد مطالعه قرار داد. این پژوهش با بررسی کتاب‌ها و مقالات، در مورد شخصیت مهمی چون ابن بیطار توانست، مطالبی از زندگی‌نامه و آثار وی را مورد بررسی قرار داده و آن را به رشته تحریر درآورد.

واژگان کلیدی: ابن بیطار؛ داروشناسی؛ الجامع؛ اندلس

مقدمه

حضور مسلمانان در اندلس، دستاوردها مهمی را در پی داشت که در این میان، پیشرفت داروشناسی و دارو سازی بود. تألیف ده‌ها کتاب داروشناسی معتبر و وجود شخصیت‌های داروشناس پرآوازه، نشان‌دهنده این پیشرفت است، از جمله داروشناسان نامدار اندلس، می‌توان به ابن جلجل (متوفی ۴۰۰ ق.) و کتاب «الادویه المفردة»، زهراوی (متوفی ۴۰۰ یا ۴۰۴ ق.) و اثر مهم «التصريف لمن عجز عن التأليف»، غافقی (متوفی ۵۶۰ ق.) با کتاب ارزشمند «الادویه المفردة»، ابن رومیه (متوفی ۶۳۷ ق.) «الرحله النباتیه»، ابوالخیر اشبیلی (متوفی ۵۷۵ ق.) «عمده الطبیب فی معرفه النبات» و ابن بیطار (متوفی ۶۴۶ ق.) «الجامع لمفردات الادویه و الاغذیه» اشاره کرد که در اندلس فعالیت‌های علمی داشتند و صدها گیاه دارویی را به مجموعه کتاب‌های داروشناسی افزودند (۱). ابن بیطار با نگارش کتاب «الجامع فی الادویه المفردة» تأثیر زیادی در رشد و تکامل علم دارو داشته است. بنا بر باور بسیاری از دانشمندان مسلمان، کتاب الجامع مفصل‌ترین و روشمندترین تألیفات داروشناسی در تمدن اسلامی است (۲). ابن بیطار شاگرد ابن رومیه، گیاه‌شناس مشهور اندلس بود. ابن بیطار برای شناسایی گیاهان، سفرهای بسیاری کرد، آثار بسیاری در داروشناسی و گیاه‌شناسی نگاشت. از جمله مهم‌ترین آثار وی «الجامع فی الادویه المفردة» است که شهرت جهانی یافته است. از این رو گروهی معتقدند که در موضوع ادویه مفردة، کتابی کامل‌تر از آن نیست. از شاگردان مشهور وی، می‌توان به ابن ابی‌اصیبه اشاره کرد (۳).

پژوهش‌هایی که تاکنون در مورد ابن بیطار انجام پذیرفته، بسیار مختصر بوده و تنها به بیان زندگی‌نامه ابن بیطار و یا به معرفی اثر مشهور وی پرداخته شده است. این در حالی است که هیچ سخنی از اندلس که زادگاه ابن بیطار بوده، به میان نیامده است. پزشکان اندلسی به علم داروشناسی توجه ویژه‌ای داشتند و پیشرفت‌های ارزشمندی نیز کسب کرده بودند. به همین دلیل در این پژوهش تلاش شده است، ابتدا علم داروشناسی در اندلس مورد بحث قرار گیرد، سپس دلایل توجه پزشکان اندلس به علم داروشناسی و در انتها زندگی‌نامه

و اثر مشهور ابن بیطار به نام «الجامع» مورد بررسی قرار گیرد. این پژوهش بر اساس مطالعه آثار موجود در کتابخانه‌های معتبر و همچنین با استفاده از منابع معتبر اینترنتی شامل پایگاه‌های داده‌ای معتبر صورت گرفته است.

داروشناسی در اندلس

موضوع ادویه و مفردات دارویی از موضوع‌های مورد توجه در تاریخ پزشکی است و تقریباً همه نویسندگان آثار پزشکی، بخشی از کتاب خود را به این موضوع اختصاص داده‌اند، اما بسیاری از آنان به طور مستقل به موضوع ادویه و مفردات دارویی پرداخته‌اند، بلکه آن را به صورت بایی در کنار دیگر باب‌ها و بخشی در کنار دیگر بخش‌ها قرار داده‌اند (۴). این گروه از مؤلفان که می‌توان آنان را اصالتاً پزشک و بالعرض داروشناس نامید، اطلاعات خود را عمدتاً در مورد گیاهان از داروشناسان و گیاه‌شناسان اخذ می‌کردند و خود کم‌تر به تحقیق در موضوع ادویه می‌پرداختند. برخی از پزشکان به موضوع مفردات و گیاهان با اهتمام بیشتر و به گونه‌ای اصیل‌تر پرداخته‌اند، از نشانه‌های این اهتمام می‌توان به تدوین آثار مستقل در این‌باره اشاره کرد، با مطالعه آثار می‌توان دریافت که پزشکان مغرب در زمره نخستین پزشکانی هستند که به موضوع داروشناسی و مفردات گیاهی به طور مستقل و به عنوان جزئی اساسی در دانش پزشکی پرداخته‌اند (۵).

اندلس در دوره اسلامی از جمله سرزمین‌هایی بود که پزشکان آن، به موضوع داروشناسی به طور خاص و مفردات دارویی به طور اخص پرداخته‌اند. دانش داروشناسی در اندلس از قرون نخستین حضور مسلمانان در آنجا مورد توجه قرار گرفت. از آن جهت که تعداد زیادی از نام داروهای موجود در کتاب‌های داروشناسان اندلس غیر عربی است (۶)، می‌توان دریافت که داروشناسان اندلس با بهره‌گیری از منابع داروشناسی گوناگون مانند نوشته‌های یونانی، عربی و هندی تجربه‌ها و تحقیق‌های دامنه‌دار خود را آغاز کردند. با توجه به آب و هوای مناسب، پراکندگی و تنوع گیاهان در اندلس، از سوی دیگر ترغیب قرآن مجید و احادیث به تأمل و تحقیق در مورد گیاهان و اظهار علاقه و تشویق والیان، خلفا و امیران

سبب شد، این دانش در کنار سایر دانش‌ها به پیشرفت‌های مهمی دست یابد (۱).

در عصر امویان (۴۲۲-۱۳۸ ق.) داروشناسان اندلس بیشتر به داروشناسی سنتی برگرفته از آموزه‌های دینی و منابع گذشته اکتفا می‌کردند، ولی در اواخر این دوره با نقطه نظرهای پزشک نامدار جهان اسلام، زهراوی (۴۰۴-۳۲۴ ق.) در زمینه داروشناسی تغییراتی حاصل گردید. در دوری ملوک الطوایف (قرن ۵ قمری) با وجود در اختیار قرارگرفتن کتاب‌های ارزشمند قصر قرطبه و فروش عمومی آن، در این دانش اتفاق خوشایندی رخ نداد، شاید دلیل آن را بتوان در هرج و مرج سیاسی دانست (۱).

در دوره مرابطان (قرن ۵ و ۶ قمری) و موحدان (قرن ۶ و ۷ قمری) تقریباً وحدت سیاسی اندلس و مغرب فراهم گردید. بیشتر علوم، از جمله داروشناسی رشد چشم‌گیری یافت و بزرگ‌ترین داروشناسان تمدن اسلامی در این دوره فعالیت داشتند. از اساسی‌ترین کارهایی که در این دوره (مرباطان و موحدان) برای گسترش و بهبود این دانش صورت گرفت، تألیف ده‌ها اثر علمی در داروشناسی و داروسازی، طبقه‌بندی اولی داروها، افزودن گیاهان دارویی سرزمین اندلس به سایر نوشته‌های داروشناسی، مقایسه و تطبیق داروها به زبان‌های گوناگون، مشاهده و سفرهای علمی برای کشف داروهای جدید بود (۱).

علل و عوامل رویکرد به داروشناسی در اندلس

شکوفایی دانش پزشکی مسلمانان در اندلس از نیمه قرن سوم قمری آغاز شد. در این میان داروشناسی، همگام با پزشکی سیر تکاملی خود را به عنوان دانشی وابسته طی می‌کرد، توجهات دانشمندان اندلس به موضوع مفردات پزشکی تا جایی بود که داروشناسی به رویکرد غالب پزشکی تبدیل شد. عواملی چند به این رویکرد کمک کرده‌اند، از جمله:

- توجه ساکنان بومی به موضوع داروشناسی.
- توجه طبیبان مغرب اسلامی به داروشناسی و تأثیرپذیری پزشکان اندلس از آن‌ها.
- ورود یک نسخه یونانی از کتاب دیسکوریدوس به اندلس.

به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر توجه پزشکان به مقوله ادویه مفرده ورود نسخه‌ای از کتاب دیسکوریدوس حکیم یونانی، به آن دیار بوده است. پزشکان اندلس در دوره‌ای که نهضت علمی اندلس در حال گسترش بود و دولتمردان اندلسی نه تنها رقابت‌های سیاسی، بلکه رقابت‌های علمی را دامن می‌زدند، به این کتاب دست یافتند. اهتمام جدی از سوی دستگاه خلافت اموی در حمایت از پزشکان به نام برای ترجمه این کتاب، بانی جدید در توجه آنان نسبت به داروشناسی گشود (۵).

ابن جلیل (متوفی ۴۰۰ ق.) مؤلف کتاب مشهور طبقات الاطباء و الحكماء، جریان آشنایی با داروشناسی را در سرزمین اندلس این چنین بازگو کرده است. «کتاب دیوسکوریدس با موضوع دارو و گیاهان دارویی در مدینه‌السلام (بغداد) در دولت عباسی، روزگار خلافت جعفر المتوکل علی الله (متوفی ۲۴۷ ق.) از زبان یونانی به عربی ترجمه گردید. مترجم آن اصطفان بن باسیل بوده و حنین آن را دوباره بررسی کرد» (۷-۸).

ابن جلیل (متوفی ۴۰۰ ق.) می‌نویسد: «نسخه‌ای از ترجمه عربی اصفان بن باسیل، پیرامون کتاب دیوسکوریدس به اندلس رسید، هرچه از گیاهان را شناخته بودند، نام عربی آن را ذکر کردند و هرچه از گیاهان در آن کتاب ناشناخته مانده بود، بر همان نام یونانی باقی بود و مردم در مشرق و اندلس از قسمت‌های شناخته‌شده آن بهره‌مند می‌گردیدند، تا روزگار خلافت الناصر عبدالرحمن بن محمد فرمانروای اندلس، به یاد دارم سال ۳۳۷ قمری بود که ارمانیوس پادشاه قسطنطنیه (قرن چهارم قمری) نامه ای با هدایای گران‌بها برای الناصر فرستاد. در میان هدایا، نسخه کتاب دیوسکوریدس قرار داشت. تصویر گیاهان در آن، به شیوه رومیان نقاشی شده و مطالبش به خط و زبان اغریقی (یونانی) نوشته شده بود و نیز از جمله هدایا، کتاب هروشیس بوده است. ارمانیوس در نامه خود به الناصر نوشته بود که اگر می‌خواهید از کتاب دیوسکوریدس بهره‌مند گردید، آن را به دست کسی بدهید که زبان یونانی را بداند و گیاهان را بشناسد و به زبان عربی ترجمه کند تا از آن بهره‌گیری» (۷-۸).

بیطار از جمله داروشناسانی بود که از این کتاب بسیار بهره برد تا جایی که او را جانشین دیسقوریدوس نامیدند.

ابن بيطار

نامش ابومحمد ضیاءالدین عبدالله بن أحمد مالقی، معروف به ابن بيطار (۱۰)، «تاریخ ولادت او به طور دقیق معلوم نیست، اگرچه برخی بدون اشاره به مأخذ، ۵۹۳ ق. / ۱۱۹۷ م. را ذکر کرده‌اند» (۲)، اما مسلم است که او در نیمه دوم قرن ششم قمری، در خانواده‌ای علم دوست متولد شده است و محل تولد مالقای اندلس می‌باشد. از بین خانواده او پدر بزرگش ابومروان عبدالملک بن بونه، پدرش أبوجعفر احمد بن عبدالملک، عموهایش أبومحمد عبدالحق و أبوعبدالله محمد مشهور شدند. از کودکی و رشدیافتن ابن بيطار چیز قابل توجه‌ای دیده نمی‌شود، جز این‌که او در اوایل کودکی به دلیل توجه پدرش به نباتات به علم نباتات علاقمند شد (۱۱).

ابن بيطار پس از اتمام آموزش‌های نخستین در این شهر و پیداکردن مهارت، عازم قرطبه شد. تحصیلات خود را در آنجا به پایان رسانید، سپس به سراسر اندلس سفر کرد. ابن بيطار مدتی را در اشبیلیه که در آن روزگار مرکز بزرگ علم و ادب بود، نزد استادانی چون عبدالله بن صالح، ابوالحجاج یوسف بن موراطیر و گیاه‌شناس نامی اشبیلی ابوالعباس احمد بن محمد مشهور به ابن الرومیه به تحصیل و بررسی و گردآوری گیاهان دارویی پرداخت. او در همین دوره دانش‌آموزی با آثار پزشکان، گیاه‌شناسان، داروشناسان یونانی و اندلسی، چون دیسقوریدس، جالینوس، احمد بن محمد بن غافقی، قربطی، ابوالقاسم خلف بن العباس زهراوی، مغربی، شریف ادیسی، اسحاق بن عمران و ابن جزار آشنا شد (۱۲).

ابن بيطار در حدود سال ۶۱۷ قمری، به قصد تحقیق و شناسایی گیاهان در آثار پیشینیان، گردآوری داروهای گیاهی، به شمال آفریقا (مراکش، الجزائر، تونس)، شهرهای یونان و دورترین شهرهای آسیای صغیر مسافرت کرد. وی در این مسافرت‌ها بسیاری از اهل فن را ملاقات کرده و از آنان اطلاعات بسیاری درباره گیاهان محلی به دست آورده است. وی همچنین در سال ۶۳۳ قمری در دمشق در دربار سلطان

عبدالرحمن الناصر (۳۵۰-۳۰۰ ق.)، جواب پادشاه ارمانیوس را نوشت. از او خواست عالمی را بفرستد که به دو زبان لاتینی و یونانی مسلط باشد، پس ارمانیوس نیکولای راهب را فرستاد. نیکولای راهب در سال ۳۴۰ قمری به قرطبه رسید (۷). ترجمه کتاب با همکاری چند تن از پزشکان همچون حدای بن شبروط الإسرائیلی، بسباسی، ابوعثمان الخزاز ملقب به الیابسه، محمد بن سعید الطیب، عبدالرحمن بن اسحاق بن هیثم و ابوعبدالله الصلقی که زبان یونانی را فراگرفته بودند، آغاز شد. ابن جلجل این گروه را دیده است و می‌نویسد، در ترجمه کتاب تنها ده گیاه برای این گروه قابل فهم نبوده است. گفته ابن جلجل این را می‌رساند که این کتاب به خوبی ترجمه شده است. بعدها ابن جلجل در کتاب مقاله فی ذکر الادویه لم يذكرها دیوسقوریدس، گیاهانی بر تعداد گیاهان دیوسقوریدس افزود (۹).

پزشکان اندلسی پیش از ابن جلجل و قبل از ورود کتاب دیسقوریدوس نیز به موضوع داروشناسی و مباحث مفردات و مرکبات توجه داشتند تا جایی که برخی از آنان شهرتشان به شناخت داروها بود، اما ورود کتاب دیسقوریدوس در کنار دیگر عوامل یادشده و نیز رقابت‌های سیاسی و علمی اندلسیان با شرق که هم دستگاه سیاسی و هم محافل علمی را بسیار تحت تأثیر خود داشت، علاقه و توجه پزشکان اندلسی را پیش از پیش برانگیخت و به مطالعات آنان در این موضوع خاص، شتاب و جدیت بیشتری بخشید (۵).

شهرت دیسقوریدوس (سده اول میلادی) در تمدن اسلامی به خاطر تألیف کتابی در موضوع مفردات دارویی است که با نام‌های «الحشائش و النبات»، «هیولی علاج الطب»، «کتاب الادویه المفردة» شناخته شده است. ظاهراً الحشائش در سال ۷۷ یا ۷۸ میلادی به زبان یونانی تألیف شده است. محققان بر این نکته اتفاق نظر دارند که تقریباً همه کسانی که بعد از دیسقوریدوس درباره مفردات طبی اثری نوشته‌اند، به این کتاب استناد کرده و آن را همچون منبعی معتبر دانسته‌اند. این کتاب مشتمل بر پنج مقاله است. در آن ۷۵۰ ماده دارویی با منشأ گیاهی، جانوری و معدنی توصیف شده است (۵). ابن

ایوبی محمد بن ابی بکر، ملقب به الملك الكامل (۶۳۵ ق. / ۱۲۳۸ م.)، در زمینه‌های داروهای ساده و گیاهان پزشکی مشغول به کار شد. پس از مدتی مورد توجه قرار گرفت (۱۰). سلطان او را رئیس عشایان و «اصحاب البسطات» (ظاهراً به معنی داروفروشان یا عطاران) در قلمرو خود قرار داد. ابن بیطار فعالیت‌های علمی‌اش را در مصر و شام نیز ادامه داد و از اشاراتی که او به رویش گاه‌های گیاهان کرده چنین برمی‌آید که دامنه جستجوی خود را از پایگاهش در دمشق فراتر برده و به بخشی از کرانه مدیترانه ای آناتولی و بخش‌هایی از شمال عربستان و بین‌النهرین و یا به قولی تا «عراق و ایران» سفر کرده است (۱۳). پس از مرگ سلطان الملك الكامل (۶۳۵ ق. / ۱۲۳۷ م.) به خدمت پسر و جانشین او الملك الصالح نجم‌الدین ایوب که در قاهره بود، پیوست. در قاهره به دستور سلطان جدید به تألیف معروف‌ترین کتاب خود، یعنی «الجامع و المغنی» پرداخت (۱۲). ابن بیطار همراه سلطان در قاهره و دمشق در رفت و آمد بود، اما آخر عمرش به دلیل داشتن شاگردان بسیاری در دمشق ماند. از بارزترین شاگردانش می‌توان به ابن ابی‌اصیبه (۶۶۸ ق. / ۱۲۷۰ م.) و ابن سویی (۶۹۰ ق. / ۱۲۹۱ م.) اشاره کرد (۱۱). ابن بیطار سال‌های پایانی عمر خود را در دمشق سپری کرد و همانجا در سال ۶۴۶ قمری درگذشت (۱۰).

ابن ابی‌اصیبه (۶۶۸ ق. / ۱۲۷۰ م.) در رابطه با علم و اخلاق استاد خود چنین نوشته است: «در گیاه‌شناسی، تحقیق، گزینش گیاهان، شناسایی محل رویش گاه‌ها، نام‌های مختلف آن‌ها، دانشمند زمان خود بود و من در او زیرکی، تیزهوشی و درایت شگفت‌انگیزی در شناخت گیاهان و در نقل گفته‌های دیسقوریدس و جالینوس دیدم. همچنین نیک‌رفتاری، جوانمردی، خوش‌طینتی، خوش‌خلقی، خوش‌فهمی و عزت نفس او چنان شگفت‌آور بود که قابل توصیف نیست» (۱۲).

ابن ابی‌اصیبه (۶۶۸ ق. / ۱۲۷۰ م.) چگونگی درس‌دادن ابن بیطار در مورد گیاهان دارویی را این‌گونه بیان می‌کند: «ابن بیطار کتاب‌های بسیاری که در دانش ادویه مفیده با ارزش بودند، همانند کتاب دیسقوریدس، جالینوس و غافقی و... را نزد ما می‌آورد. پس آنچه را دیسقوریدس در کتابش به

یونانی گفته به اندازه‌ای که قابل فهم باشد بیان می‌کرد، سپس آنچه را که جالینوس از ویژگی‌های نباتات، مشخصاتشان، کارکردهایشان، ویژگی‌های مربوط به مزاج و دیگر چیزهایی که متعلق به آن‌ها بود را نوشته بود، برایمان می‌خواند و در آخر جمله‌ای از گفته‌های گذشتگان در آن زمینه برایمان بازگو می‌کرد. ابن بیطار در مورد دارویی صحبت نمی‌کرد، مگر این‌که برای او مقاله‌ای در کتاب دیسقوریدس و جالینوس مشخص شده بود» (۱۰).

در بین دانشمندان مسلمان به ویژه پزشکان و داروشناسان، یادگیری زبان یونانی از ارزش بالایی برخوردار بود. ابن بیطار به زبان یونانی تسلط کافی داشت. او به یونان و روم سفر کرد، در بین آنان زندگی کرد، زبان یونانی را یاد گرفت و با دانشمندان نباتات ملاقات کرد و اطلاعات زیادی در رابطه با شناختن نباتات، چگونگی نوشتن مصطلحات یونانی و صحبت کردن در مورد آن‌ها را فراگرفت. مؤلفات ابن بیطار تنها در زمینه پزشکی و داروشناسی است. در زمینه‌های دیگر اثری از خود به یادگار نگذاشته است. از مهم‌ترین مؤلفات ابن بیطار «الجامع فی الادویه المفردة» و «المغنی» است (۱۱).

آثار ابن بیطار

۱- الجامع فی الادویه المفردة

این کتاب به اسم‌های دیگری همچون «الجامع الادویه و الاغذیه» و «الجامع فی الطب» نیز شناخته می‌شود. این کتاب مشهورترین و معروف‌ترین اثر ابن بیطار و بزرگ‌ترین دایره المعارف داروشناسی باقی‌مانده از قرون وسطی به شمار می‌رود. ابن بیطار این اثر را به درخواست ملک صالح نجم‌الدین ایوب، پادشاه مصر (حکومت از ۶۰۳ تا ۶۱۵ ق.) به رشته تحریر در آورد (۲). الجامع کتابی است پیرامون شناخت ادویه مفرده، خصوصیات ظاهری اصناف حشایش، نباتات طبی، خواص، منافع، تأثیرات، کیفیت استعمال و مراتب قوای آن‌ها به ترتیب حرف معجم. این کتاب ۳/۵ بار بزرگ‌تر از صیدنه ابوریحان بیرونی است (۱۳) که تأثیر فراوانی در داروشناسی دوره تمدن اسلامی داشته است. در این کتاب، حدود ۱۴۰۰ داروی خوراکی ساده گیاهی و معدنی و جانوری، با استناد به بیش از

زیرا میان این دو تألیف حدود ۱۰۰ سال فاصله است و ابن بيطار افزون بر این که کما بیش ۲۰۰ بار از غافقی مستقیم نقل کرده، مطالب بسیاری نیز از مؤلفان معاصر وی و دیگر مؤلفان پس از وی آورده و نتایج مطالعات و تجربه‌های شخصی خود را هم افزوده است (۱۲).

از الجامع نسخ خطی متعددی در کتابخانه‌های جهان است، از جمله در کتابخانه مجلس شورا، سنا، ملی، آستان قدس رضوی، دانشگاه تهران، ملک و آیتا... مرعشی ۲۷ المتحف العراقي موجود است. این کتاب ابتدا در سال ۱۲۹۴ ق. / ۱۸۷۴ م. توسط انتشارات بلاق به چاپ رسید. همچنین به کوشش لکلرک^۱ به فرانسه ترجمه و در سه جلد در پاریس در سال ۸۳-۱۸۷۷ چاپ شد و نیز توسط فون زونتهایمر^۲ به آلمانی ترجمه و در دو جلد در سال ۷۲-۱۸۷۰ چاپ شد (۱۳).

۲- المغنی فی الادویه المفردة

این کتاب را نیز ابن بيطار به فرمان الملك الصالح نجم‌الدین ایوب در قاهره (۳۷-۶۳۵ ق.) تألیف کرد. المغنی دارای بیست باب و همانند الجامع است، جز این که به ترتیب بیماری‌های اعضا می‌باشد (۱۳). کتاب «المغنی» نقطه شگرف در داروشناسی به شمار می‌ود که بانفوذترین اثر اسلامی در زمینه داروهای مفردة هم در جهان اسلام و هم در خارج آن است، نفوذ آن حتی به سرزمین ارمنستان نیز رسیده است (۱۵). نسخ‌هایی از آن در کتابخانه‌های پاریس، طوپ قاپ سراپی استانبول، بلدیة اسکندریه و مؤسسه مطالعات شرقی لنینگراد موجود است (۱۳).

از چندین اثر دیگر ابن بيطار فقط عنوانی در برخی از فهرست‌ها یا تذکره‌های قدیم دیده می‌شود، ولی برای بیشتر آن‌ها به یک یا چند نسخه خطی نیز اشاره شده است:

- تفسیر کتاب دیوسقوریدس.

- رسالة فی الاغذیة و الادویة.

- رسالة فی تداوی السموم.

- کاشف الویل فی معرفة امراض الخیل.

۱۵۰ مأخذ و با استفاده از تجربه‌ها و مشاهدات شخصی توصیف شده است (۲). الجامع را می‌توان با کتاب دوم «قانون» ابن سینا که حاوی حدود ۸۰۰ ماده است، مقایسه کرد. از ۱۴۰۰ دارو و خوراکی ذکر شده در این کتاب، حدود ۱۰۰۰ دارو را مؤلفان یونانی پیشین (به ویژه دیسقوریدس و جالینوس) و ۴۰۰ ماده دیگر را که ۲۰۰ مورد گیاهی است، دانشمندان دوره اسلامی تا این روزگار شناسایی کرده بودند (۱۴).

یکی از فواید این کتاب معرفی تألیفاتی است که ابن بيطار مطالبی از آن‌ها نقل کرده است (مانند آثار شریف ادیسی ماسرجویه، مسیح (عیسی) بن حکم، ابن ماسه، اسحاق بن عمران و حامد بن سمجون) که گویا از دست رفته‌اند، از حدود ۱۵۰ مؤلفی که ابن بيطار نام برده، کمابیش ۲۰ نفر یونانی و بقیه عرب، اسپانیایی، ایرانی، سریانی، کلدانی، هندی و جزء آن هستند. یکی دیگر از ویژگی‌های مثبت این کتاب، استفاده از نام‌های مترادف برای بسیاری از گیاهان به زبان‌های یونانی، بربری، فارسی و زبان اسپانیایی عامیانه قدیم مسیحیان اندلس (که ابن بيطار آن را «لطیفی» می‌داند) علاوه بر نام عربی آن است. این کتاب اثر زیادی بر داروشناسی مشرق اسلامی و غیر اسلامی داشته، اما اثر چندانی در مغرب نداشته است، زیرا نهضت ترجمه از عربی به لاتین در اواسط قرن ۱۳ میلادی متوقف شده بود (۱۲).

از میان مستشرقین، تنها کسی است که خواسته از ارزش کتاب «الجامع» کم کند، مایرهوف می‌باشد. او پس از بررسی بخشی از کتاب «الادویه المفردة» غافقی و نیز با تعمق در «شرح اسماء العقار» ابن میمون به این نتیجه رسیده است که ابن بيطار نه تنها مطالب کتاب خود را از غافقی (متوفی ۵۶۰ ق.) نقل کرده، بلکه، همه محتویات کتاب او را در «الجامع» گنجانده است. در مورد واژه‌های مترادف نیز معتقد است که بیشتر آن‌ها را از کتاب غافقی و واژه‌نامه ابن میمون گرفته است. در رفع شبهات مایرهوف می‌توان گفت: حتی اگر بپذیریم که ابن بيطار همه محتویات کتاب غافقی را عیناً در تألیف خود آورده باشد، کم‌ترین ستایشی که می‌توان از «الجامع» کرد، این است که آن را مکمل تألیف غافقی بدانیم،

1. Leclerc

2. Sonthheimer Von

دانشمندان بسیاری از آن گزیده و اختصار نوشتند و آن را به زبان‌های دیگر ترجمه نموده‌اند.

- کتاب الأبنة و الأعلام بما المنهاج من الخلل و الوهام.

- كتاب الافعال الغريبة و الخواص العجيبة.

- میزان الطب یا میزان الطیب.

- جزوه‌ای با نام مقالظ فی الیمون (۱۲).

نتیجه‌گیری

فتح اندلس و هشت قرن حضور مسلمانان در آن، اندوخته‌های فرهنگی، علمی، اقتصادی، سیاسی بسیار داشت. در میان این دستاوردها، دانش داروشناسی، دارای اهمیت شایان است و مسلمانان در این زمینه، به پیشرفت‌های چشم‌گیری دست یافتند. با ورود کتاب دیسقوریدوس به اندلس این دانش بیشتر از قبل مورد توجه قرار گرفت.

ابن بیطار از جمله داروشناسان نامدار اندلس و از شاگردان ابن رومیه می‌باشد که از کتاب دیسقوریدوس بهره فراوان برد، به گونه‌ایی که او را جانشین دیسقوریدوس نامیده‌اند.

برجسته‌ترین بخش زندگی ابن بیطار سفرهای او است که به قصد تحقیق در گیاه‌شناختی آثار پیشینیان و گردآوری داروهای گیاهی در داخل و خارج اندلس داشته است. وی در این سفرها عالمان بسیاری را ملاقات کرده و از آن‌ها بهره برده است. ابن بیطار در علم گیاه‌شناسی مهارت بسیاری به دست آورد، به طوری که وقتی به خدمت سلطان الملك الكامل رسید، سلطان وی را رئیس داروفروشان قرار داد. بعد از مرگ سلطان الملك الكامل به خدمت جانشین او الملك الصالح نجم‌الدین پیوست و به درخواست او دو کتاب مشهور خود را به نام‌های «الجامع فی الادویه المفردة» و «المغنی» را نگاشت. ابن بیطار همراه سلطان الملك الصالح در قاهره و دمشق در رفت و آمد بود، اما در اواخر عمر به خاطر وجود شاگردان، در دمشق ماند و در سال ۶۴۶ درگذشت. از مشهورترین شاگردان او می‌توان ابن ابی اصیبعه را یاد کرد.

ابن بیطار با نگارش کتاب «الجامع فی الادویه المفردة»، تأثیر به سزایی در رشد و تکامل علم دارو داشته است. بنا به باور بسیاری از دانشمندان مسلمان و غیر مسلمان، این کتاب مفصل‌ترین و روشمندترین تألیف داروشناسی در تمدن اسلامی می‌باشد. اهمیت و ارزش آن بدان پایه بود که

References

1. Khajemirza M. The Pharmaceutical Development in Andelous Until Ibn-e-Beytar. *Journal of Jurisprudence & History of Civilization* 2007; 2(9): 69-87. [Persian]
2. Kiani H, Zare M. Investigating the way of expression and writing style of the book "al-Jami fi al-Adwiya al-Mufrada". *Journal of Islamic and Iranian Traditional Medicine* 2014; 5(1): 47-60. [Persian]
3. Khajemirza M. Pharmacology in Andalus Almohades period. *The Journal of Islamic History and Civilisation* 2005; 1(2): 71-90. [Persian]
4. Ibn Murad I. Bohos fe tarikh al-Teb va al-Seadane end al-Arab. Beirut: Dar Al-Gharib Al-Islami; 1991. [Arabic]
5. Roghani S. Effective Factors in Andalusian Physicians' Attention to Pharmacology. *History of Science* 2008; 6(2): 93-106. [Persian]
6. Mohammad KH. Al-Mojz fi tarekh al-Teb va al-Sayyidah end al-Arab. Terablos: Jameat al-Dowal al-Arabiyat; No Date. [Arabic]
7. Ibn Juljul SBH. Tabqat-ul-Atiba wal-Hukama'. Tehran: Tehran University Press; 1349. [Persian]
8. Ibn Abi Usaibia AIQ. Uyun ul-Anba' fi Tabaqat al-Aṭibba Beirut: Dar al-Maktabat al-Hayat; 1965. [Arabic]
9. Safdadi S. Al-Wafi bel wafiyat. Beirut: Dar sar; 1991. [Arabic]
10. Ibn Abi Usaibia AIQ. Uyun ul-Anba' fi Tabaqāt al-Aṭibbā. Ghahere: Maehad Tarekh al-Olom al-Arabiyat and al-Islamiyat; 1995. p.2. [Arabic]
11. Ibn Murad I. Al-Muthtalah al-Ajami fe kotob al-Teb va al-Seadane al-Arabi. Tehran: Iran Publication; 2005. [Persian]
12. Payravad Sabet F. Ibn Bitar. *Journal of Book of Months of Science and Technology* 2009; 3(33): 84-87. [Persian]
13. Khabiri M, Ghasemlou F, Ahmadian Attari M, Piraati A, Mosaddegh M. Botanical authored and translated works of seventh century A.H. in the territory of Islamic civilization. *Journal of Islamic and Iranian Traditional Medicine* 2018; 8(4): 423-437. [Persian]
14. A group of Authors Under the supervision of Velayati AA. History of Islamic and Iranian Culture and Civilization (especially Medical Sciences). Qom: Moaref Publication Office; 1389. [Persian]
15. Momeni Z. Daroshenasi or Pharmacology. *Journal of Book of Months of Science and Technology* 2009; 3(33): 55-70. [Persian]